

مسیحیان در روزگار خسرو پرویز

دکتر جمشید قهرمانی



دفتر

مسیحیان در روزگار خسرو پرویز

مسیحیان در روزگار خسرو پرویز

دکتر جمشید قهرمانی



انتشارات فروهر - ۱۴۰۰

سرشناسه	:	قهرمانی، جمشید، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور	:	مسیحیان در روزگار خسروپرویز/جمشید قهرمانی.
مشخصات نشر	:	تهران: سازمان انتشارات فروهر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	ص: ۳۰۲؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۷۸۴۴-۴۳-۴
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه.
یادداشت	:	نمایه.
موضوع	:	مسیحیت -- ایران -- تاریخ -- ۲۲۶-۶۵۱م.
موضوع	:	Christianity -- Iran -- History -- 226-651
موضوع	:	خسروپرویز ساسانی، شاه ایران، - ۶۲۸م.
موضوع	:	بهرام چوبین، قرن ۶ م.
موضوع	:	دین و دولت -- ایران -- تاریخ -- ۲۲۶-۶۵۱م.
موضوع	:	Religion and state -- Iran -- History -- 226-651
موضوع	:	نسطوریان
موضوع	:	Nestorians*
موضوع	:	مسیحیت و زردشتی
موضوع	:	Christianity and other religions -- Zoroastrianism
موضوع	:	ایران -- تاریخ -- ساسانیان، ۲۲۶ - ۶۵۱م.
موضوع	:	Iran -- History -- Sassanids, 226-651
رده بندی کنگره	:	BR۱۱۱۵
رده بندی دیویی	:	۵۵/۳۷۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۶۲۸۶۶۹
وضعیت رکورد	:	فیبا

مسیحیان در روزگار خسروپرویز

دکتر جمشید قهرمانی

طراح جلد: فرزانه کرمانی‌نژاد

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۴۴-۴۳-۴

همه حقوق برای ناشر محفوظ است. تکثیر، انتشار و ذخیره‌سازی تمام یا بخشی از این اثر به هر شکل (چاپی، الکترونیکی و...) و با هر هدف بدون مجوز از ناشر، غیرقانونی و قابل پیگرد است.



مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر

نشانی: خیابان حافظ، رسیده به چهارراه کالج، کوچه بامشاد، پلاک ۳، سازمان جوانان زرتشتی (فروهر)، تلفکس:

۸۸۰۹۶۶۵

مرکز پخش و فروش: خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، پلاک ۲۶۱، تلفکس: ۶۶۴۶۲۷۰۴

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
فصل یکم: مسیحیان ایران از آغاز حکومت ساسانی تا روزگار خسروانوشیروان.....	۱۳
تاریخچه گسترش مسیحیت.....	۱۵
گسترش مسیحیت در شاهنشاهی ساسانی در سده سوم میلادی.....	۱۷
ظهور مانی و آزادی دینی در زمان شاپور یکم.....	۲۰
اسیران مسیحی جنگهای شاپور یکم.....	۲۳
مسیحیت در روزگار جانشینان شاپور یکم.....	۲۶
مسیحیان در روزگار شاپور دوم.....	۲۹
نامه کنستانتین به شاپور دوم.....	۳۱
اعتبار شهادت نامه های سریانی درباره پیگرد دینی روزگار شاپور دوم.....	۳۸
مسیحیان ایران در سده پنجم میلادی.....	۵۰
رشد مسیحیت در روزگار یزدگرد یکم.....	۵۲
بررسی گزارش پیگرد دینی روزگار یزدگرد یکم.....	۵۵
اختلاف یزدگرد یکم با بزرگان ساسانی و مرگ مشکوک وی.....	۵۸
قانونمند ساختن روابط دربار و مسیحیان.....	۶۵
گسترش عقاید نسطوری در کلیسای ایران.....	۷۴
مسیحیت در روزگار خسروانوشیروان.....	۸۰
فصل دوم: سیاست دینی خسروپرویز برای غلبه بر بهرام چوبین.....	۸۹
مقدمه فصل دوم.....	۹۱
سیاست دینی هرمزد چهارم.....	۹۲
آغاز شورش بهرام چوبین.....	۱۰۵
تعیین مقصد خسروپرویز برای پناهندگی.....	۱۰۷
امتناع ایشوع یهب از همراهی خسروپرویز.....	۱۱۰
تجارب خسروپرویز در طول سفر به بیزانس.....	۱۱۳

۱۱۷	پذیرش تقاضای کمک خسرو پرویز
۱۲۰	مریم، دختر افسانه‌ای امپراتور موریکیوس
۱۲۴	نذر خسرو پرویز به آرامگاه سرگیوس
۱۳۰	شایعه مسیحی شدن خسرو پرویز
۱۴۱	فصل سوم: نسطوریان و میافیزیت‌ها در روزگار خسرو پرویز
۱۴۳	انتخاب سبریشوع یکم به عنوان پاتریارخ
۱۵۱	شورای سال ۵۹۶ م.
۱۵۲	نقش سبریشوع در سیاست خارجی خسرو پرویز
۱۵۴	اختلاف سبریشوع و گریگوری کشکری
۱۵۸	سبریشوع، پیشاپیش سپاهیان خسرو پرویز
۱۶۲	رقابت نسطوریان و میافیزیت‌ها در روزگار خسرو پرویز
۱۶۲	افزایش تعداد میافیزیت‌ها در ایران
۱۶۴	رقابت نسطوریان و میافیزیت‌ها بر سر اعتقاد نعمان ابن منذر
۱۶۸	مبارزه سبریشوع با میافیزیت‌ها
۱۷۱	جبرئیل سنجاری، حامی میافیزیت‌ها
۱۸۲	گریگوری پرتی، آخرین پاتریارخ کلیسای نسطوری در روزگار خسرو پرویز
۱۸۹	شورای سال ۶۱۲ م.
۱۹۷	فصل چهارم: شاه زردشتی، حاکم مسیحیان و یهودیان
۱۹۹	رشد بزرگان مسیحی در روزگار خسرو پرویز
۲۰۵	بزرگان ارمنی در دربار خسرو پرویز
۲۰۹	شهادت‌نامه‌های سریانی از روزگار خسرو پرویز
۲۱۷	رویکرد سیاسی شیرین به مسیحیت
۲۲۰	مسیحیان بیزانس، رعایای جدید خسرو پرویز
۲۲۸	خسرو پرویز، حامی یا سرکوب‌گر یهودیان؟
۲۳۰	نقش یهودیان در شورش بهرام چوبین
۲۳۳	شورش یهودیان بیزانس
۲۳۷	فتح اورشلیم
۲۴۲	مشارکت یهودیان در امور اداری فلسطین
۲۵۵	حاصل سخن
۲۶۷	کتاب‌نامه
۲۸۹	نقشه
۲۹۱	نمایه

پیشگفتار

مرزهای غربی اشکانیان گسترده بود و سیاست دینی آنها همراه با مدارا، همین باعث شد که از آغاز گسترش مسیحیت، به مرور، مسیحیان از قلمرو امپراتوری روم وارد ایران شوند. پیگردهای دینی برخی از امپراتوران روم نیز عاملی مهم در روی آوردن آنها به قلمرو اشکانیان بود. در سده سوم میلادی ساسانیان قدرت را از اشکانیان گرفتند و شرایط سیاسی جدیدی در منطقه حاکم شد. با وجود این، مسیحیان همچنان به رشد خود در ایران ادامه دادند. علاوه بر مسیحیان بومی ایران، ورود اسیران جنگی مسیحی باعث افزایش تعداد آنها در ایران گردید. از آن زمان تا پایان حکومت ساسانی، مسیحیان مراحل مختلفی از پیشرفت را در شاهنشاهی ساسانی تجربه کردند. به مرور، طبقه‌ای از بزرگان مسیحی نیز درون شاهنشاهی ساسانی به وجود آمد و به همین جهت، اهمیت مسیحیان در مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افزایش یافت. علاوه بر آن، امپراتوری روم در اواخر سده چهارم میلادی به طور رسمی مسیحی شد و این موضوع نقش سیاسی مسیحیت را پررنگ‌تر کرد. بنابراین بررسی تاریخ سلسله ساسانی بدون در نظر گرفتن وضعیت مسیحیان آن و نقش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها امکان‌پذیر نیست. تا کنون، پژوهشگران زیادی شامل متخصصان تاریخ ادیان، تاریخ ساسانیان و تاریخ روم به موضوع مسیحیان شاهنشاهی ساسانی پرداخته‌اند و نظرات گوناگونی ارائه داده‌اند. با این حال، این موضوع همچنان نیازمند کارهای بیشتری است، زیرا بسیاری از نظراتی که در این باره ارائه شده دارای ایرادات جدی است؛ به ویژه در زبان فارسی به این موضوع توجه کافی نشده است و نیاز به پژوهش‌هایی که به صورت تخصصی به آن بپردازند احساس می‌شود.

روزگار حکومت خسرو پرویز نیز یکی از مقاطع بسیار مهم در تاریخ ایران دوران ساسانی است. در این دوران حدوداً سی و هشت ساله رویدادهای بسیار مهمی در داخل و خارج شاهنشاهی ساسانی به وقوع پیوست که بر سرنوشت آن بسیار تأثیر گذاشت؛ از جمله مهم‌ترین این رویدادها می‌توان به شورش‌های داخلی، جنگ‌های طولانی‌مدت با امپراتوری بیزانس و همچنین اتحاد و قدرت‌گیری اعراب مسلمان اشاره کرد. یکی از مسائل مهم در روابط خارجی و داخلی خسرو پرویز، سیاست وی در رابطه با اقلیت‌های مسیحی و یهودی بود. خسرو پرویز در ابتدای حکومت خویش، شورش بهرام چوبین را از پدر به میراث برد و ناچار به امپراتوری بیزانس پناهنده شد تا بلکه با کمک آنها تاج و تخت را به دست آورد. هنگامی که خسرو پرویز به قلمرو بیزانس عزیمت می‌کرد در راه خود از مناطق مسیحی‌نشین بسیاری عبور کرد و در این راه تجاربی خاص اندوخت. خسرو پرویز بیش از یک سال در میان مسیحیان زیست تا آنکه با کمک ماوریکیوس، امپراتور بیزانس، موفق به شکست بهرام چوبین شد. به شهادت برخی از منابع کهن، رفتار خسرو پرویز در میان مسیحیان به گونه‌ای بود که حتی برخی به اشتباه تصور کردند که وی مسیحی شده است؛ به هر حال، هدف خسرو پرویز از برخی سیاست‌های دینی خود این بود که امپراتور مسیحی بیزانس را قانع سازد تا او را یاری رساند. افزون بر این، خسرو پرویز دو همسر مسیحی به نام‌های مریم و شیرین برگزید و منابع مختلف حکایت از اوج پیشرفت بزرگان مسیحی در دوران وی دارند.

یکی از موضوعات مهم دیگر دربارهٔ مسیحیان در روزگار خسرو پرویز، رقابت میان نسطوریان و میافیزیت‌ها بود. در اواخر سدهٔ پنجم میلادی مسیحیان ایران نسطوری شدند و بر دو ذات مجزای عیسی مسیح تأکید ورزیدند. با این حال، در سدهٔ ششم و اوایل سدهٔ هفتم میلادی، به دلایل مختلف، تعداد میافیزیت‌ها نیز در ایران ساسانی افزایش یافت و ایشان به رقابت با مسیحیان نسطوری پرداختند؛ این رقابت در روزگار خسرو پرویز به اوج خود رسید. مشخصهٔ اعتقادی میافیزیت‌ها این بود که عیسی مسیح تنها دارای یک ذات، شامل جنبه‌های جسمانی و الهی در اتحاد با یکدیگر است. در اینجا لازم می‌دانم این نکته را توضیح دهم که واژهٔ میافیزیت بسیار جدید

است و پژوهشگران در ابتدا از واژه مونوفیزیت برای اشاره به این گروه استفاده می‌کردند و هنوز هم برخی از آنها این واژه را به کار می‌برند. واژه «مونو» در زبان یونانی به معنای «تک» یا «تنها» است و از نظر معنایی چندان مناسب آموزه «اتحاد دو جنبه الهی و جسمانی در یک ذات» نیست. برخی از پژوهشگران آن را مناسب ندیدند و از اواخر قرن بیستم به جای آن از «میا» استفاده کردند که به معنای «یک» است و واژه دقیق‌تری برای توضیح عقیده میافیزیت‌ها است.^۱ بنابراین منظور از مونوفیزیت‌ها و میافیزیت‌ها گروه یکسانی از مسیحیان است و مطرح شدن دو واژه، تنها در جهت دقیق‌تر شدن تعریف مبانی اعتقادی آنها بوده است. با توجه به این توضیحات، در این کتاب واژه دقیق‌تر میافیزیت را برای نام این گروه برگزیده‌ام.

یکی از مسائل مهم دیگر در رابطه با مسیحیت در روزگار خسروپرویز، جنگ‌های وی با بیزانس پس از قتل امپراتور ماوریکیوس است. بررسی گزارش‌های این جنگ‌ها نشان از اهمیت نقش مسیحیت در سیاست‌های دو طرف جنگ دارد. بنابراین بررسی سیاست‌های دینی شاهنشاهی ساسانی در روزگار خسروپرویز ما را در راه دریافت بهتری از آن مقطع مهم تاریخ ساسانیان یاری می‌دهد. برای بررسی سیاست شاهنشاهی ساسانی درباره مسیحیت در این دوران، چند دسته مختلف از منابع وجود دارند. منابع یونانی، ارمنی، سریانی، عربی، فارسی و حتی گرجی در بردارنده اطلاعاتی از مسیحیان در این دوران هستند و هر یک از آنها ویژگی‌های خاص خود را دارند. منابع عربی و فارسی برگرفته از *خوای نامگ* بیشتر بر رویدادهای داخلی شاهنشاهی ساسانی تمرکز دارند، اما اطلاعات بالارزشی نیز از سیاست خارجی ساسانیان می‌توان از آنها برداشت کرد. هر چند که این منابع بسیار ارزشمند هستند، اما اطلاعات آنها محدود است و در پاره‌ای موارد از دقت کافی برخوردار نیستند. این موضوع، ما را در بررسی تاریخ ساسانیان با مشکلات بزرگی روبرو کرده است، زیرا

^۱ فیلیپ لویسر اصرار بر استفاده از واژه مونوفیزیت دارد (Luisier, 2013, 299-310)، اما برخی از پژوهشگران استدلال‌های وی را به درستی رد کرده‌اند و واژه میافیزیت را ترجیح داده‌اند؛ نک: Winkler, 2016, 9-20؛ Brock, 2016, 45-51.

بخش مهمی از اطلاعات ما از این سلسله بر اساس گزارش‌های منابع دشمن با ساسانیان است و برخی از پژوهشگران بدون داشتن رویکرد انتقادی نسبت به این منابع مخالف، در تحلیل تاریخ ساسانیان از آنها استفاده کرده‌اند. در میان این منابع، منابع یونانی بیشتر بر روی حوادث سیاسی تمرکز دارند و هنگامی که به گزارش روابط خارجی روم و بیزانس می‌پردازند، اطلاعات زیادی را از شاهنشاهی ساسانی به دست می‌دهند. منابع ارمنی با وجود آنکه به دلیل اختلافات دینی و سیاسی رویکردی خصمانه نسبت به ساسانیان دارند، گزارش‌هایی مهم از حوادث سیاسی آن روزگار، به ویژه دربارهٔ اوضاع قفقاز، در بر دارند. با وجود این، مهم‌ترین منابع در رابطه با مسیحیت در ایران ساسانی آن دسته از منابع سریانی و عربی هستند که حاصل کار رویدادنامه‌نویسان کلیسایی بودند. تمرکز این منابع بر روی اتفاقات کلیسای ایران بود و با توجه به نفوذ شاهنشاهی ساسانی بر کلیسا، در برخی موارد، اطلاعات سیاسی مهمی را نیز می‌توان از آنها برداشت کرد، هر چند که باید تعصبات دینی موجود در آنها و میزان اعتبار هر یک را نیز در نظر داشت. در این کتاب علاوه بر تلاش برای تحلیل وضعیت مسیحیان در روزگار خسرو پرویز، منابع مسیحی مهمی معرفی و بررسی شده‌اند؛ به این امید که در آینده، پژوهش‌های بیشتری نیز بر روی این منابع صورت پذیرد.

کتاب حاضر دارای چهار فصل است؛ در فصل نخست این کتاب برای ایجاد پیوستگی در بحث و درک بهتر مطالب، به طور خلاصه توضیحاتی از وضعیت مسیحیان ایران از آغاز حکومت ساسانی تا پایان روزگار خسروانشیروان ارائه داده‌ام. در فصل دوم کتاب به سیاست دینی خسرو پرویز در طول شورش بهرام چوبین پرداخته‌ام. در فصل سوم کتاب به سراغ وضعیت و رقابت میان نسطوریان و میافیزیت‌ها در روزگار خسرو پرویز رفته‌ام و فصل پایانی این کتاب را به بررسی سیاست خسرو پرویز در قبال بزرگان مسیحی و یهودیان اختصاص داده‌ام. طرح روی جلد و ایات پشت جلد کتاب برگرفته از برگه‌ای از نسخه دوران ایلخانی شاهنامه فردوسی است که با شماره F1945.21.1 در نگارخانه هنر فریر نگهداری می‌شود.

این تصویر و ابیات درباره دیدار خسرو پرویز و راهب پیشگو در قلمرو بیزانس است که در فصل دوم کتاب آن را بررسی کرده‌ام.

این کتاب حاصل پژوهشی است که در هنگام نگارش رسالهٔ دکتری خود در دانشگاه تهران آغاز کردم و پس از اتمام رسالهٔ نیز آن را ادامه دادم؛ در این راه، اساتید بزرگواری مرا به آشکال مختلف یاری نمودند و وظیفه دارم در اینجا از ایشان تشکر کنم. از استاد راهنمای رسالهٔ دکتری خود، دکتر روزبه زرین کوب، اساتید محترم مشاور، دکتر سیروس نصراله زاده و دکتر کلثوم غضنفری و همچنین از اساتید محترم داور، دکتر ژاله آموزگار، دکتر زهره زرشناس، دکتر فرزانه گشتاسب و دکتر محمود جعفری دهقی بسیار سپاسگزارم، زیرا بدون یاری آنها این امر میسر نبود. همچنین از دکتر کایل اسمیت، متخصص تاریخ مسیحیت، دکتر سباستین بروک، از دانشمندان زبان سریانی و تاریخ مسیحیت، دکتر مایکل ویتبی، متخصص تاریخ روم و زبان یونانی باستان و دکتر متیاس بیندر متخصص تاریخ مسیحیت که همگی برخی از آثار ارزشمند خود را در اختیار من قرار داده و پاسخ گوی پرسش‌هایم بوده‌اند بسیار سپاسگزارم. اساتید و دوستان بسیار دیگری نیز در به ثمر نشستن این کتاب مرا یاری کرده‌اند که نام بردن از همگی آنها در این بخش خلاصه امکان‌پذیر نیست، اما قدردان زحمات یکایک ایشان هستم. در پایان از دکتر فرزانه گشتاسب، مدیر مسئول انتشارات فروهر، قدردانی ویژه می‌کنم، چرا که علاوه بر قبول زحمت داوری رسالهٔ دکتری من، مرا در راه چاپ این کتاب بسیار یاری نمودند.

جمشید قهرمانی

بهمن ۱۳۹۹

فصل یکم

مسیحیان ایران از آغاز حکومت ساسانی تا
روزگار خسروانوشیروان

تاریخچه گسترش مسیحیت

با توجه به کمبود منابع تاریخی در مورد زندگی عیسی مسیح، انجیل‌ها مهم‌ترین منابع ما در این باره هستند.^۱ با این حال، با توجه به مشکوک بودن صحت برخی از بخش‌های تاریخی این نوشته‌ها بسیاری از پژوهشگران این حوزه ناگزیر بوده‌اند که آنها را با سایر منابع باقی‌مانده اعم از تاریخی، ادبی، دینی و باستان‌شناختی تطبیق دهند، تا تصویر روشن‌تری از رویدادهای مربوط به مسیحیت در سده‌های نخست میلادی به دست آید.^۲ با توجه به انجیل متی، نظر برخی از پژوهشگران بر این است که عیسی مسیح پیش از مرگ شاه هرود^۳ که احتمالاً سال چهارم ق م بوده است، متولد شد و علت این اختلاف با گاه‌شماری میلادی در آن است که مبدأ گاه‌شماری میلادی بر اساس محاسبات راهبی مسیحی به نام دیونوسیوس اگزیگوس^۴ در قرن ششم میلادی به وجود آمده است که چند سال با واقعیت فاصله دارد. به هر حال، از میان منابع موجود، نمی‌توان سال دقیق تولد او را مشخص کرد. با توجه به اینکه حضرت عیسی در میان جامعه یهود ظهور کرد و نخستین پیروان وی که بعدها به مروّجان مسیحیت تبدیل شدند از آنجا بودند، دین یهود و آداب و سنن اجتماعی آن بر مسیحیت تاثیر زیادی گذاشت.^۵ مسیحیان نخستین که از جامعه یهود برخاسته بودند، مسیحیت را دینی جدا از دین یهود

^۱ Sanders, 1993, 3; Evans, 2003, 465-477; Blomberg, 2009, 441-442.

^۲ نک: Harris 1985, 263.

^۳ Herod.

^۴ Dionysius Exiguus.

^۵ Vermes, 1981, 20-30; Chadwick, 2001, 5.

نمی‌دانستند، بلکه معتقد بودند که حضرت عیسی همان مسیحای وعده داده شده در تورات است. پس از آنکه پولس^۱ شروع به تبلیغ دین مسیحیت در بین غیر یهودیان کرد مقدمات شکاف میان دین مسیحیت و یهود فراهم شد، زیرا این غیریهودیان که جمعیت اصلی مسیحیان را تشکیل می‌دادند از زمینه‌های فکری و فرهنگی متفاوتی با یهودیان برخوردار بودند.^۲ بخش عمده این تبلیغات در قلمرو امپراتوری روم انجام شد و در نتیجه تعداد مسیحیان درون مرزهای روم فزونی یافت. یکی دیگر از نکات مهم مربوط به مسیحیت در سده‌های نخست میلادی، تأثیر فرهنگ و فلسفه یونان و روم بر آن بود به گونه‌ای که مسیحیان برای بیان عقاید خویش از شیوه‌های گفتمان دنیای یونانی-رومی استفاده می‌کردند. به عنوان نمونه، پولس در برخی از نامه‌های خود به کلیساها زبان فلسفه یونان را به کار می‌برد.^۳ مسیحیان، بر خلاف ایرانیان، رومیان، مصریان و حتی یهودیان دارای ریشه قومی نبودند و در نتیجه نمی‌توانستند مدعی سرزمینی خاص در قلمرو روم باشند.^۴ با وجود این، خاصیت تبلیغی این دین و گفتمانی که مبلغان آن به کار می‌بستند در گسترش آن در تمامی قلمرو روم بسیار مؤثر بود.

در سده دوم میلادی، مسیحیت به سرعت رشد کرد و در بیشتر نقاط امپراتوری روم، از جمله پایتخت آن، شهر رم، پیروان زیادی یافت.^۵ در ابتدا، عالی‌ترین رتبه هر کلیسا اسقف نام داشت که نامش مشتق از واژه یونانی اپیسکوپوس^۶ به معنای

^۱ Paul the Apostle.

^۲ درباره روابط میان مسیحیان اولیه و قوم یهود نک:

Davis, 1945, 72-82; Frend, 1958, 141-158; Strecker, 1972, 241-285; Simon, 1975, 53-76; Whittaker, 1984; Carleton Paget, 2006; Marcus, 2006, 87-102.

^۳ Chadwick, 2001, 34.

^۴ Harvey, 2008, 351-352.

^۵ برای دیدن مباحثی درباره دلایل اجتماعی گسترش مسیحیت در امپراتوری روم نک: Stark,

1996.

^۶ Episkopos.

«ناظر» بود. پس از آن به مرور سلسله مراتب کلیسا پیشرفت بیشتری کرد و مقامات دیگری نیز به وجود آمدند.^۱ در روم ادیان مختلفی وجود داشت، اما دغدغه رومیان وفاداری همه به حکومت بود. در نتیجه، ادیان مورد تأیید دولت روم بر مسیحیت ارجحیت داشتند. همچنین، مسیحیان حکومت، امپراتور روم را آن گونه که رومیان انتظار داشتند ارج نمی‌نهادند. این موضوعات باعث شد که برخی از امپراتوران روم از ناحیه گسترش مسیحیت احساس خطر کنند و دست به تعقیب و آزار مسیحیان بزنند.^۲

گسترش مسیحیت در شاهنشاهی ساسانی در سده سوم میلادی

همان گونه که ما اطلاعات زیادی از سیاست دینی اشکانیان در سده‌های یکم و دوم میلادی نداریم منابع ما از سیاست دینی ساسانیان در سده سوم میلادی نیز محدود است. در سده سوم میلادی، امپراتوری روم هنوز مسیحی نشده و تاریخ‌نگاری مسیحی فراگیر نشده بود. از سده چهارم میلادی به بعد است که با حمایت امپراتوری روم از مسیحیت، اطلاعات ما درباره تاریخ کلیسا افزایش می‌یابد. با وجود این، منابع موجود نشان می‌دهند که مسیحیت در سده دوم میلادی در قلمرو اشکانیان رواج یافته بود و بسیاری از مسیحیان در زمان تعقیب و پیگرد دینی امپراتوری روم به درون مرزهای اشکانیان می‌گریختند.^۳ بیشتر محققان علت آن را مدارای دینی اشکانیان نسبت به دیگر ادیان دانسته‌اند.^۴ در سال ۶۴ م. امپراتور نرون، آتش‌سوزی شهر رم را که خود مظنون اصلی آن بود به مسیحیان نسبت داد و نخستین پیگرد و

^۱ درباره روند تشکیل و تثبیت سلسله مراتب کلیسای نک: Bobertz, 1992, 183-211.

Meeks, 2006, 145-173.

^۲ Cairns, 1996, 87; Casson, 1998, 84-90; Whitby and Streeter, 2006, 23.

^۳ نک: Erhart, 2001, 116.

^۴ Baum and Winkler, 2003, 10; Asmussen, 1983, 928.

آزار مسیحیان در امپراتوری روم آغاز شد.^۱ در سال ۱۱۱ م. نیز امپراتور تراژان در آسیای صغیر بر ضد مسیحیان پیگرد دینی انجام داد. سپس پیگردهای بزرگ‌تری بر ضد مسیحیان در سده سوم میلادی در زمان دکیوس^۲ (۲۴۹-۲۵۱ م)،^۳ والریانوس^۴ و به ویژه دیوکلتین^۵ (۳۰۳-۳۰۵ م)^۶ رخ داد.^۷

در حدود سال ۱۰۰ م. مسیحیت در آدیانه^۸ جایگاهی مستحکم یافته بود.^۹ در کتاب سریانی *قوانین کشورها* از بردیسان (= ابن دیصان)^{۱۰} از مسیحیان پارت، کوشان، پارس، ماد، رها (= اِدسا)^{۱۱} و هتره^{۱۲} در سده سوم میلادی در کنار سایر سرزمین‌ها نام برده شده و در جزیره خارک گورهای مسیحی دارای کتیبه‌های سریانی از اجتماعات مسیحی اطراف خلیج فارس به دست آمده است. این گونه به نظر می‌رسد که مسیحیت از طریق رها، مرکز ایالت اسروتنه^{۱۳} که زبان سریانی، زبان اصلی آنجا بود^{۱۴} و نصیبین^{۱۵} که کتیبه ابرکیوس^{۱۶} وجود مسیحیت را در سده دوم میلادی در آن تأیید می‌کند درون قلمرو اشکانیان نفوذ کرده باشد.^{۱۷}

^۱ Barnes, 1968, 34.

^۲ Decius.

^۳ نک: Scarre, 1995, 170.

^۴ ۲۵۳-۲۶۰ م. پس از آنکه شاپور یکم ساسانی والریانوس را اسیر کرد، پیگردهای دینی دوران والریانوس به پایان رسید؛ نک: Frend, 2006, 51.

^۵ Diocletian.

^۶ Harvey, 2008, 364؛ برای دیدن اشاره‌ای از منبعی کهن مربوط به سده چهارم میلادی درباره این موضوع نک: Aphrahat, 1885, 670.

^۷ Klauck, 2006, 71-71.

^۸ درباره این منطقه نک: Sellwood, 1983, 456-459.

^۹ Asmussen, 1983, 924.

^{۱۰} *Book of the Laws of the Countries*; Bardaisan.

^{۱۱} درباره این شهر نک: Lieu, 1997, 174-175.

^{۱۲} درباره این شهر نک: Schmitt, 2003, 58-61؛ Herzfeld, 1914, pp. 655-676.

^{۱۳} Osroene.

^{۱۴} نک: Beggiani, 2014, XV.

^{۱۵} درباره این شهر نک: Stumm, 1936, 713-757؛ Lieu, 2006؛ Palermo, 2014, 456-471.

^{۱۶} Inscription of Abercius.

^{۱۷} Baum and Winkler, 2003, 10.

زبان سریانی به عنوان زبان مردم مسیحی در میان‌رودان گسترش زیادی یافت.^۱ این زبان که گویشی از زبان آرامی سدهٔ یکم میلادی در فلسطین بود، از ناحیهٔ رُها ریشه می‌گرفت. در سدهٔ دوم میلادی، سریانی به عنوان زبان مسیحیان، در قسمت شرقی میان‌رودان رواج یافت و در طول دو قرن نخست میلادی، با توجه به داشتن حکومت‌های نیمه‌مستقل، نوعی خودمختاری فرهنگی میان آنها به وجود آمد.^۲ با این حال، در پی برآمدن شاهنشاهی ساسانی در اوایل سدهٔ سوم میلادی و رقابت‌های روم و ایران، آن مناطق تبدیل به میدان جنگ میان ایران و روم شدند و دو بخش سریانی‌زبانان غربی و شرقی تشکیل شد. سریانی‌زبانان شرقی تحت سلطهٔ ساسانیان و هم‌تای غربی آنها تحت سلطهٔ رومیان قرار گرفتند. درست است که سریانی‌زبانان شرقی اقلیتی در یک شاهنشاهی زردشتی بودند، اما سریانی‌زبانان غربی نیز در قلمرو روم همانند یک اقلیت بودند، زیرا با وجود پذیرش مسیحیت از سوی رومیان در سدهٔ چهارم میلادی، فرهنگ آنها با رومیان متفاوت بود و حتی اعتقادات مذهبی‌شان نیز در قرن پنجم میلادی از کلیسای بیزانس متمایز گشت.^۳

به نظر می‌رسد که در دوران اردشیر بابکان و شاپور یکم ساسانی، گسترش مسیحیت در ایران همچنان رواج داشت و سیاست آزادی دینی اشکانیان کماکان پیاده می‌شد. با وجود این، اطلاعات ما از سیاست دینی اردشیر یکم بسیار محدود است و منابعی مانند *کارنامهٔ اردشیر بابکان*، *نامهٔ تنسر و شاهنامهٔ فردوسی* که به این موضوع پرداخته‌اند فاصلهٔ زمانی زیادی تا روزگار وی دارند. از این منابع می‌توان به این نتیجه رسید که اردشیر یکم از دین زردشتی به عنوان عاملی مشروعیت‌بخش استفاده کرده است.^۴ نقش برجسته‌ها، سکه‌ها و کتیبه‌های به دست آمده از اردشیر بابکان نیز این موضوع را تأیید می‌کنند و بر روی برخی از آنها اصطلاح «بغ

^۱ در مورد مسیحیان سریانی نخستین در ایران و شمال میان‌رودان نک: Murray, 2006.

^۲ Brock, 1998, 4.

^۳ Ibid, 5.

^۴ نک: Kreyenbrock, 2008, 8-11.

مزدیسن، اردشیر، شاهنشاه ایران، که چهر از یزدان [دارد]»^۱ آمده است که تا مدت‌ها بعد از وی نیز رایج بود. با وجود این، در دوران او، هیچ یک از این منابع اشاره‌ای به اینکه مسیحیان ایران تحت پیگرد قرار گرفته باشند نمی‌کنند، در حالی که به پیگرد آنها در قلمرو روم اشاره دارند.^۲

ظهور مانی و آزادی دینی در زمان شاپور یکم

در دوران شاپور یکم، شخصی به نام مانی با ادعای آوردن دینی تازه ظهور کرد و نه تنها شاپور از وی حمایت کرد، بلکه اجازه داد آزادانه به ترویج آیین خویش بپردازد.^۳ آزادی مانی در تبلیغ و ترویج آیین خود، شاهدی مهم از ادامه آزادی دینی گذشته در ابتدای حکومت ساسانیان است. با این حال، نقش برجسته‌ها و کتیبه‌های بر جای مانده، به طور همزمان حکایت از اهمیت اجتماعی و مشروعیت بخشی دین زردشتی دارند. این موضوع که شاپور یکم از مانی حمایت کرد نمی‌تواند لزوماً به این معنی باشد که وی سیاست دینی متفاوتی را نسبت به پدر خود در پیش گرفت. شاپور یکم در کتیبه خود در کعبه زردشت به پایبندی خویش بر دین زردشتی تاکید فراوان دارد.^۴ نوشته‌های کتیبه‌ها همانند نوشته‌های سکه‌ها به انگیزه‌های سیاسی و دینی نگاشته شده است. عنوان چهر از یزدان داشتن خاص شاهان ساسانی بوده است، به گونه‌ای که این امر حضور آنان را به عنوان نماینده اورمزد مطرح می‌ساخت. وجود نقش برجسته‌های مختلف از شاهان ساسانی در حال دریافت حلقه سلطنت از اورمزد نیز شاهدی دیگر از مشروعیت بخشی دین زردشتی برای آنها از آغاز تا پایان این سلسله است.

^۱ نک: دریایی، ۱۳۷۷، ۲۸-۳۲.

^۲ برای نمونه نک: *Chronicle of Arbela*, 1985, 20-22.

^۳ بهار و اسماعیل پور، ۱۳۹۴، ۳۰.

^۴ نک: Huyse, 1999.

مانی از جمله کسانی بود که با ادعای پیامبری در روزگار شاپور یکم ساسانی، آزادانه دین خود را تبلیغ می‌کرد و حتی به دربار شاپور رفت و آمد داشت و کتابی را به وی تقدیم کرده بود.^۱ حتی گفته شده است که برادر شاپور یکم، به نام مهرشاه، به کیش مانوی در آمد.^۲ دینی که مانی ارائه می‌داد ترکیبی از برخی از ادیان مهم آن روزگار از جمله دین زردشتی، مسیحیت، دین بودایی و آیین‌های گنوسی بود.^۳ دین وی علاوه بر رقابت با دین زردشتی به یکی از رقیبان مسیحیت تبدیل شده و پیروان زیادی در بین مسیحیان یافته بود. این موضوع را می‌توان از نفرتی که منابع مسیحی از مانی و آیین او بازتاب می‌دهند (به مراتب بیشتر از نفرت آنها از دین زردشتی) به خوبی دریافت. بهار و اسماعیل‌پور نمونه‌هایی از این منابع مسیحی مخالف مانی را آورده‌اند.^۴ به عنوان نمونه‌های دیگر در ابتدا می‌توان از تئودورت،^۵ نویسنده مشهور مسیحی قرن پنجم میلادی نام برد که به مانی می‌تازد و داستانی کاملاً تحریف‌شده از زندگی مانی و عقاید وی به خوانندگان مسیحی خود ارائه می‌دهد.^۶ *رویدادنامه* سيعرت^۷ نیز مانند همین منابع به مانی حمله می‌کند و داستانی خیالی از اسیر شدن

^۱ بهار و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۴، ۲۹.

^۲ Boyce, 1975, 37-38.

^۳ Harvey, 2008, 360.

^۴ نک: بهار و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۴، ۴۶.

^۵ Theodoret.

^۶ Theodoret, 2006, 205-207.

^۷ به جرئت می‌توان گفت که بیشترین اطلاعات از مسیحیان کلیسای شرق در دوران باستان را باید در *رویدادنامه* سيعرت پیدا کرد. آدی شیر، اسقف اعظم سيعرت، که در سال ۱۹۱۵ م. به دست سربازان عثمانی به قتل رسید (نک: Nayeem, 1920)، در آغاز قرن بیستم میلادی این رویدادنامه بی‌نام به زبان عربی را کشف و ویرایش کرد (نک: Fiey, 1965, 121-145; Wood, 2013, 3). کماکان پژوهشگران به ویرایش و ترجمه وی از این اثر رجوع می‌کنند. نویسنده نسطوری این رویدادنامه احتمالاً در سده دهم میلادی به نگارش آن دست زده بود (نک: Hoyland, 1997, 444; Fiey, 1970, 21; Degen, 1970, 76-95; Howard- Johnston, 2010, 314, 325; Wood, 2013, 3). این رویدادنامه از منابع بسیار زیادی

مانی در کودکی گزارش می‌کند که بر طبق آن، مانی تعالیم خود را نزد خانواده‌ای که اسیر آنها بود آموخت و پرورش داد. *رویدادنامه* سیرت نیز در مورد آموزه‌های مانی صورتی تحریف‌یافته ارائه می‌دهد و به اشتباه، قتل مانی را به دستور شاپور می‌داند.^۱ استفاده مانی از زبان سریانی، شاهدی دیگر بر تلاش وی برای گسترش دین خود در میان سریانی‌زبانان است.^۲ مانی خود را فارقلیط وعده داده شده توسط مسیح در انجیل یوحنا معرفی می‌کرد. آموزه‌های وی از طریق راه‌های تجاری به ویژه جاده ابریشم از غرب به شرق گسترش یافتند و به زبان‌های مختلف از جمله فارسی میانه،

استفاده کرده و با وجود آنکه زبان آن عربی است، منابع سریانی، منابع اصلی نگارش آن هستند (Wood, 2013, 3). اگرچه این اثر در زمانی تقریباً متأخر نوشته شده، اما دارای اهمیت بالایی است، زیرا بسیاری از گزارش‌های کهن را که حتی در پاره‌ای از موارد با یکدیگر متناقض بوده‌اند حفظ کرده است (نک: Ibid, 4-5). فیلیپ وود در کتابی با عنوان *رویدادنامه* سیرت به طور مفصل تاریخ‌نگاری این رویدادنامه را از جنبه‌های مختلف بررسی کرده است (نک: Wood, 2013). اطلاعات مفصل و مهمی از وضعیت مسیحیان در روزگار شاهان ساسانی در این رویدادنامه وجود دارد که در این کتاب به طور جزئی به آنها پرداخته‌ام. این اطلاعات شامل بیشتر شاهان ساسانی از آغاز تا پایان حکومت این سلسله می‌شود و برخی از آنها را نمی‌توان در هیچ منبع بازمانده دیگری یافت. به ویژه روزگار خسرو پرویز در این اثر انعکاس زیادی یافته و نویسنده بی‌نام رویدادنامه صفحات زیادی را به آن اختصاص داده است. می‌توان از فصل ۳۷ تا فصل ۱۰۰ این کتاب اطلاعاتی فراوانی را از دوران خسرو پرویز استخراج کرد، در حالی که کتاب در مجموع ۱۱۲ فصل دارد. بنابراین این منبع، مهم‌ترین اثری است که در این کتاب از آن استفاده شده است.

^۱ «پس از فریب دادن مردم و ترویج شرارت خود، او [مانی] توسط شاپور در دروازه شوش به صلیب کشیده شد. پروردگار وی را نفرین کرد و به سزای اعمالش رساند» (Chronicle of Seert, I, 225-228).

^۲ Wood, 2010, 30.

عربی، یونانی، لاتین، قبطی، ترکی و چینی ترجمه شدند.^۱ این آزادی دینی عاملی مهم در مهاجرت بسیاری از مسیحیان به ایران بود، زیرا آنها همزمان در امپراتوری روم تحت پیگرد دینی بودند.

اسیران مسیحی جنگ‌های شاپور یکم

یکی از رویدادهای مهم دوران شاپور یکم، جنگ‌های موفقیت‌آمیز او با روم و آوردن تعداد زیادی از اسیران رومی متخصص و صنعتگر و ساکن کردن آنها در مناطقی از ایران از جمله گندی‌شاپور^۲ بود. بخشی از این اسیران، مسیحی بودند و این موضوع هم در منابع باستانی و هم در پژوهش‌های جدید مورد توجه قرار گرفته است.^۳ با این حال، برخی از پژوهشگران بر این نظرند که تعداد اسیران مسیحی در مقایسه با اسیران غیر مسیحی بسیار کم‌تر بوده است.^۴ *رویدادنامه* سيعرت از جمله منابعی است که این رویداد را شرح می‌دهد. بر طبق گزارش آن، شاپور، اسرایی را از جنگ با رومیان به ایران آورد و در چند منطقه ایران و درون شهرهایی که پدرش ساخته بود جای داد و خود نیز شهرهایی را ساخت. وی به آنها خانه و زمین کشاورزی داد؛ مسیحیان در ایران افزایش یافتند و کلیساها و صومعه‌هایی بر پا ساختند.^۵ گندی‌شاپور که تبدیل به مرکز مسیحیت در خوزستان شده بود، به زودی به مرکزی علمی و فرهنگی و دارای دانشگاهی مهم و همچنین به یکی از تولیدکنندگان مهم ابریشم

^۱ بهار و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۴، ۲۹؛ Harvey, 2008, 360؛ Shaked, 2008, 111؛ همچنین نک: Lieu, 1992.

^۲ مسیحیان سریانی‌زبان به آن بیت‌لاپاط می‌گفتند؛ نک: Morony, 1989, 187-188.

^۳ زرین‌کوب، ۱۳۹۳، ۴۷۶، ۵۰۸؛ Frye, 1984, 298؛ Wiesehöfer, 1996, 162؛ Brock, 1998, 63.

^۴ نک: Smith, 2016, 131.

^۵ *Chronicle of seert*, I, 220-221.